

ارائه الگویی برای چالش‌های اقتصادی-اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش

حیدر ابراهیمی^۱، سید یعقوب موسوی^{۲*}، مصطفی ازکیا^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰


چکیده


هدف: پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی برای چالش‌های اقتصادی-اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش انجام شد. **روش‌شناسی:** این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا کیفی بود. جامعه پژوهش خبرگان خصوصی‌سازی، بازاریابی استراتژیک و آموزشی آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بودند. نمونه طبق اصل اشباع نظری ۱۱ نفر در نظر گرفته شد که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری که روایی آن با کمک چهار فرد خبره و دو همکار پژوهشی تایید و پایایی آن با روش ضریب کاپای کوهن ۰/۶۳ بدست آمد. داده‌ها با روش تحلیل مضمون شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار MAXQDA12 تحلیل شدند.


یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که برای چالش‌های اقتصادی-اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش ۱۸۴ شاخص در شش مضمون فرعی مشوق‌ها، بازدارنده‌ها، قوت‌ها، ضعف‌ها، پیامدها و سازوکارها و دو مضمون اصلی سطح کلان و سطح خرد شناسایی شد؛ به طوری که ۷۸ شاخص در سطح کلان و ۱۰۶ شاخص در سطح خرد قرار داشت. در نهایت، الگوی چالش‌های اقتصادی-اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش طراحی شد.

بحث و نتیجه‌گیری: مضمون‌های شناسایی‌شده درباره چالش‌های اقتصادی-اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش برای مسئولان و برنامه‌ریزان نظام آموزش و پرورش تلویحات کاربردی دارد. آنان با استفاده از نتایج این پژوهش و سایر پژوهش‌ها می‌توانند زمینه را برای اجرای مناسب خصوصی‌سازی آموزش و پرورش فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: چالش‌های اقتصادی-اجتماعی، خصوصی‌سازی، آموزش و پرورش

^۱ دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. 

^۲ دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول). 

^۳ استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. 

مقدمه

آموزش و پرورش نظامی باز و گسترده است و از این رو عوامل متعددی بر آن اثر می‌گذارند و هر یک به نوبه خود از آن اثر نیز می‌پذیرند. به عبارت دیگر، برای رشد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و غیره نیاز به رشد و بالندگی در آموزش و پرورش می‌باشد که این امر نیازمند مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی در اجرای آن است (Joshi, 2019). اهمیت آموزش در جهت رشد و توسعه هر روز در حال افزایش است و پیشرفت‌های فناوری و استانداردهای زندگی مدرن نیازمند افراد تحصیل کرده و متبحر در سراسر دنیا است. برای این منظور دولت‌ها باید آموزش را برای همه فراهم کرده و کیفیت آن را ارتقاء دهند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی سازمان ملل، هدفی برای اعضای خود در ارائه آموزش برای همه تعیین کرد که منظور دسترسی همه به آموزش پایه بود. با این حال گرچه بسیاری از دولت‌ها این قانون را پذیرفتند، اما منابع کافی مانع از تحقق اهداف آن شد (Hashemian, Zandian & Aqamohammadi, 2016). همچنین، محدودیت شدید منابع مالی دولتی یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در عدم تعادل میان امکانات آموزش و پرورش و انتظارات جامعه است و برای دستیابی به اهداف و راهبردهای کلان آموزش و پرورش برای کسب رتبه اول در منطقه تا سال ۱۴۰۴ و دستیابی به کشوری که در مسیر توسعه قرار لازم است که سیاست‌ها و برنامه‌هایی ویژه طراحی و اجرا شود. منظور برنامه‌هایی است که سبب ارتقای کارایی، توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تقویت مشارکت اثربخشی و مسئولیت‌پذیری مردم در آموزش و پرورش می‌باشد (Hassani Shalmaani, 2014). در بسیاری از کشورها، آموزش یکی از بهترین راهکارهای رشد اجتماعی و اقتصادی است و به همین دلیل فشار برای دریافت آموزش با کیفیت بالا می‌باشد و اگر دولت‌ها نتوانند آموزشی که والدین برای فرزندان خود انتظار دارند را فراهم سازند، آنان به دنبال آموزش خصوصی می‌روند (Gamlath & Lahiri, 2018).

یکی از برنامه‌های جبران منابع مالی دولت در زمینه آموزش و پرورش، خصوصی‌سازی آن است که از مباحث بحث‌برانگیز دهه‌های اخیر بوده و صاحب‌نظران درباره آن نظریات موافق و مخالف زیادی داشتند (Saltman, 2020). خصوصی‌سازی به معنای تغییر مدیریت، تعهدات و ارزیابی‌ها از سازمان‌های دولتی و واگذاری آنها به سازمان‌های خصوصی می‌باشد و بحث خصوصی‌سازی به‌ویژه در پدیده جهانی شدن اهمیت مضاعفی پیدا کرده است (Baum, Cooper & Lusk-Stover, 2018). خصوصی‌سازی آموزش و پرورش علاوه بر کاهش فشار بودجه بر دولت با ایجاد یک بازار رقابتی در یاددهی و یادگیری باعث کارایی بیشتر در استفاده از منابع، توجه مضاعف به علائق و انتخاب‌های افراد، افزایش حساسیت آحاد مردم به نظام آموزش و پرورش و درخواست پاسخگویی و ارائه خدمات با کیفیت از آن می‌شود (Adamson & Galloway, 2019). همچنین، خصوصی‌سازی عمدتاً یک آزادسازی است که مجریان آن از مقررات دولت آزاد می‌شوند و یا یک بازارسازی است که بازارهای جدید جایگزین خدمات دولتی یا سیستم‌های دولتی می‌شوند. به‌طور کلی چهار مدل برای خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش ارائه شده است. اول انتقال مالکیت مدارس دولتی به معنای انتقال سنجیده مالکیت مدارس دولتی موجود به بخش خصوصی است. دوم تغییر تعادل بخشی بدون نام‌گذاری مجدد نهادها و موسسات موجود که از طریق یک تغییر انقلابی‌تر در تعادل انواع موسسات ایجاد می‌شود و در آن تعداد و اندازه مدارس دولتی ممکن است ثابت نگهداشته شود، اما تعداد و اندازه مدارس خصوصی موازی افزایش می‌یابد. سوم افزایش اعتبارات دولتی و حمایت از مدارس خصوصی به این صورت که دولت‌ها ممکن است از طریق ارائه کمک‌های مالی یا سایر حمایت‌ها به مدارس خصوصی درصدد تقویت بخش خصوصی باشند. چهارم افزایش تأمین منابع مالی توسط بخش خصوصی و یا کنترل مدارس دولتی که در این شکل از خصوصی‌سازی مدارس ظاهراً تحت مالکیت دولت باقی می‌مانند، اما سهم بخش خصوصی یا غیردولتی در تأمین منابع و یا کنترل آنها افزایش می‌یابد (Verger, Fontdevila & Zancajo, 2017).

خصوصی‌سازی پاسخ سیاسی قوی از جانب گروه‌های ذینفع را هم علیه و هم به نفع آنها ایجاد و می‌تواند بودجه را هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت به سمت دولت تغییر دهد. مزایای بالقوه کارایی خصوصی‌سازی به اصلاحات سیاسی اجرایی بستگی دارد و مزایای اقتصادی آن نیز به تعداد عرضه‌کنندگان جدید یا تعداد مدارس کنونی که در حال توسعه ظرفیت خود هستند بستگی دارد. اگر اصلاحات خصوصی‌سازی واقعا کارایی نظام آموزشی را افزایش دهد در این صورت بخش دولتی ممکن است بتواند مالیات را کاهش داده، استانداردهای آموزشی را حفظ نماید و شیوه تحقق آنها بهبود ببخشد (Diaz Rios, 2017).

2019). یکی از چالش‌های اصلی سیاست‌های آموزشی امروز توجه به نقش دولت در ارائه خدمات آموزشی دولتی و خصوصی به شهروندان خود است که این امر در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته با محدودیت شدید منابع مالی همراه است (Termes, Edwards & Verger, 2020).

منابع ناکافی گاهی اوقات با رشد جمعیت و مدارس محدود، معلمانی با کیفیت پایین و غیرماهر و محیط آموزشی ضعیف به خاطر هزینه‌های بالای خدمات آموزشی همراه است. بنابراین، نارضایتی‌های موجود از کیفیت و کارایی نظام آموزشی، ناکافی بودن پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای جامعه، توسعه مشارکت بخش خصوصی را در آموزش و پرورش ضروری جلوه داد (Le, 2019). عوامل بسیاری باعث افزایش بحث درباره خصوصی‌سازی آموزش و پرورش شده است که از می‌توان به رشد روزافزون جمعیت، تقاضای فزاینده برای آموزش و ارتقای کیفیت و محدودیت شدید منابع مالی دولتی اشاره کرد که باعث عدم تعادل بین امکانات آموزش و پرورش و انتظارات جامعه شدند. سیر نزولی سهم آموزش و پرورش از کل درآمد ملی در پنج دهه گذشته (دهه پنجاه ۲۵ الی ۳۰ درصد، دهه شصت ۲۰ الی ۲۵ درصد، دهه هفتاد ۱۵ الی ۲۰ درصد، دهه هشتاد و نود ۸ الی ۱۲ درصد) و کسری ۲۷ درصدی بودجه آموزش و پرورش در ۲/۵ دهه گذشته نیز از دیگر مصادیق بروز این عدم تعادل است که زمینه نارضایتی‌های موجود از کیفیت و کارایی نظام آموزشی و عدم پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای جامعه را فراهم کرده است (Ebrahimi, Mousavi & Azkia, 2019).

میانگین جهانی مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش ۲۵ الی ۳۰ درصد است و یکی از دلایل اصلی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و وجود مدارس غیردولتی کاهش بار مالی آموزش و پرورش و افزایش کیفیت آموزش دولتی در نتیجه برگشت بودجه ناشی از ورود دانش‌آموزان مدارس دولتی به مدارس غیردولتی بود (Kambutu, et al, 2020). در دو دهه اخیر بخش خصوصی به شکل مدارس غیرانتفاعی و غیردولتی در فراهم‌سازی آموزش و پرورش سهیم شدند و با این وجود سهم دانش‌آموزان ثبت‌نامی در این مدارس هیچ‌گاه از ۱۰ درصد کل دانش‌آموزان بیشتر نشده و در عمل نتوانسته است تاثیر قابل توجهی در حل چالش‌های آموزش و پرورش داشته باشد. بنابراین، اجرای مکانیسم‌های مشارکت دولتی و خصوصی در یک چارچوب قانونی و نظارتی مناسب می‌تواند به‌عنوان راه حلی موثر برای رهایی آموزش و پرورش از چالش‌های موجود عمل نماید (Khedri, Saeedian Khorasgani & Shahtalabi Hosseinabadi, 2018). سازمان‌های دولتی برای اداره موثر سیستم آموزشی نیاز به جمع‌آوری اطلاعات زیادی دارند و آنها باید از اولویت‌های آموزشی والدین، سطح تلاش دانش‌آموزان، هزینه‌های مدیریت یک مدرسه و قیمت ورودی‌های اصلی مثل معلمان، مطالب، ساختمان‌ها و وسایل و امکانات آموزشی آگاه باشند و دائما اطلاعات خود را در این زمینه بروزرسانی کنند (Rivera 2018).

با اینکه درباره خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و آموزش عالی پژوهش‌هایی انجام شده، اما پژوهش‌های اندکی به بررسی چالش‌های اقتصادی - اجتماعی آن پرداختند. بر اساس بررسی‌ها نتایج مهم‌ترین پژوهش‌ها درباره خصوصی‌سازی و چالش‌های آن در زیر ارائه شد. Rezaeian (2020) ضمن پژوهشی برخی از چالش‌های بخش خصوصی آموزش عالی را ناشی از تصمیم‌ها و اقدام‌های وزارت علوم از جمله افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های پیام‌نور، آزاد و علمی‌کاربردی، گسترش شعب دانشگاه‌های دولتی، صدور بی‌رویه مجوز برای تأسیس موسسه‌های غیردولتی جدید، مشخص نبودن سیاست‌ها و تعدد مراجع تصمیم‌گیر در وزارت علوم، عدم استفاده از بخش خصوصی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین مقررات و تعمیمی بعضی از کاستی‌ها به تمام بخش خصوصی آموزش عالی اشاره کرد. ساختار اداری و سازمانی موجود نیز موجب بروز چالش‌هایی از قبیل محدودیت موسسه‌های غیردولتی در استفاده از تریبون‌های رسمی، ناهماهنگی بین دولت‌ها نسبت به تصمیم‌های یکدیگر، فقدان یک نهاد غیردولتی متمرکز برای سازماندهی، نظارت و ارزیابی موسسه‌های خصوصی، عدم همکاری سازمان‌های دولتی، وجود موسسه‌های شبه‌دولتی در فهرست موسسه‌های غیردولتی و وجود موسسه‌های گوناگون با نام عنوان مشابه موسسه‌های آموزش عالی غیردولتی شده است. از جمله چالش‌های قانونی می‌توان به فقدان مقررات خاص بخش خصوصی، نبود یک نظام رتبه‌بندی مناسب، فقدان ضوابط یکسان برای توسعه، ضعف در برخورد قانونی با موسسه‌های بی‌کیفیت و وجود مخالفت با خصوصی‌سازی آموزش عالی به دلیل مغایرت با اصل ۳۰ قانون اساسی اشاره کرد. شرایط اجتماعی و فرهنگی موجود نیز باعث چالش‌هایی از قبیل کاهش تعداد داوطلبان ورود به این مراکز به دلیل کاهش رشد جمعیت، اعتبار ضعیف موسسه‌های آموزش

عالی خصوصی در جامعه، تصور موجود درباره پایین بودن کیفیت دانش‌آموختگان این مراکز، تمایل نداشتن سازمان‌ها در جذب فارغ‌التحصیلان موسسه‌های خصوصی، کمبود فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموختگان این مراکز، تلقی نادرست از مفهوم غیردولتی، محدودیت طبقات کم درآمد در راهیابی به آموزش عالی خصوصی و اطلاع‌رسانی نادرست رسانه‌های جمعی درباره موسسه‌های غیردولتی شده است. از چالش‌های مالی می‌توان به تمایل نداشتن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، ناکافی بودن حمایت‌های مالی دولت و عدم تمایل افراد به کمک‌رسانی به این موسسه‌ها اشاره کرد و از چالش‌های آموزشی نیز می‌توان به عملی نبودن استاندارد تعیین‌شده برای نسبت اعضای هیأت علمی به دانشجو، جذب استادان مجرب در دانشگاه‌های معتبر دولتی و موانع موجود بر سر راه توسعه این موسسه‌ها اشاره کرد.

Ikemba-Efughi & Raj (2020) ضمن پژوهشی درباره مسائل و مشکلات خصوصی‌سازی آموزش ابتدایی به این نتیجه رسیدند که الزام به ارائه آموزش و خدمات با کیفیت منجر به تأسیس مدارس خصوصی شد و انگیزه ایجاد مدرسه برای برخی از گردانندگان مدارس خصوصی اساساً ناشی از نیاز به ایجاد تاثیر مثبت بر جامعه با تاکید بر تغییر مثبت در نظام آموزشی است. Bania (2020) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بزرگ‌ترین چالش‌های آموزش عالی شامل عدم تعادل بین فشارهای بازار از لحاظ اقتصادی، کارایی و رقابت از یک سو و حفظ ارزش‌های سنتی، خودمختاری و نقش آنها در نقد اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر بود.

Tavakol, Ebrahimi & Rezaeian (2018) ضمن پژوهشی درباره آثار و پیامدهای مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی به این نتیجه رسیدند که بخش خصوصی کارکردها و کژکارکردهای مختلفی داشته از میان کارکردها به ترتیب می‌توان به آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی، پیامدهای آموزشی، مالی و اقتصادی، اداری و سازمانی و علمی و پژوهشی و از میان کژکارکردها به ترتیب می‌توان به پیامدهای منفی در امور علمی - آموزشی و اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد.

Khedri & et al (2018) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش ایران از طریق برون‌سپاری همه‌جانبه، مدیریت و خدمات آموزشی، بعد مالی و فیزیکی - کالبدی محقق می‌شود. Hassani Shalmaani (2014) ضمن پژوهشی عوامل موثر بر مشارکت بخش خصوصی - دولتی در مدارس ابتدایی را شامل هشت عامل ارزش‌های مشارکتی، ساختار مشارکتی، رهبری توزیعی، توانمندسازی، مالکیت روانشناختی، پرداخت مشارکتی، مناسبات و نظارت درونی معرفی کردند. Azizi, Jafari, Farzad & Senobari (2012) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین راهکارهای مشارکت دولت و بخش خصوصی در آموزش و پرورش به ترتیب شامل قراردادهای آموزشی، قراردادهای مدیریتی، قراردادهای عملیاتی، قراردادهای زیرساختی و قراردادهای پشتیبانی و حرفه‌ای و مهم‌ترین معیارهای ارزشیابی آنها به ترتیب شامل آزادی انتخاب، کارایی، کیفیت آموزش، برابری و انسجام اجتماعی بودند.

بررسی چالش‌های خصوصی‌سازی حاکی از آن است که گرچه مالکیت خصوصی می‌تواند برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه منفی به همراه داشته باشد، اما کشورهای در حال توسعه عموماً از زیرساخت‌های لازم برای دستیابی به خصوصی‌سازی برخوردار نیستند. بسیاری از متخصصان عقیده دارند که اعمال یک برنامه خصوصی‌سازی منسجم و مدون با زمان‌بندی مناسب و دقیق برای همه سازمان‌های امروزی از جمله آموزش و پرورش ضروری است. بنابراین، باید بستر مناسب را برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش فراهم کرد. با اینکه چند دهه‌ای است که اقدام به خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در ایران شده، اما همواره با مشکلات و چالش‌های فراوانی همراه بوده که همین عوامل سبب شدند که میزان خصوصی‌سازی آن هیچ‌گاه از ده درصد بیشتر نشود. پژوهش‌های بسیار اندکی درباره چالش‌های خصوصی‌سازی آموزش و پرورش انجام شده و پژوهشی درباره چالش‌های اقتصادی - اجتماعی آن یافت نشد. با کمک نتایج این پژوهش درباره چالش‌های اقتصادی - اجتماعی ضمن شناخت بهتر چالش‌های نظام آموزش و پرورش، می‌توان برنامه‌های مناسبی جهت بهبود فرایند خصوصی‌سازی آموزش و پرورش برداشت. با توجه به مباحث مطرح‌شده و لزوم طراحی برنامه‌های مناسب برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش مبتنی بر نتایج پژوهش‌های مختلف با کمترین اشکالات ممکن، پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی برای چالش‌های اقتصادی - اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش انجام شد.

روش شناسی

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا کیفی بود. جامعه پژوهش خبرگان خصوصی سازی، بازاریابی استراتژیک و آموزشی آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بودند. نمونه طبق اصل اشباع نظری ۱۱ نفر در نظر گرفته شد که با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. در روش نمونه گیری هدفمند، پژوهشگر از میان کسانی که به آنها دسترسی داشت تعداد مورد نظر با توجه به ملاک های ورود به مطالعه انتخاب کرد و هدف استفاده از این شیوه نمونه گیری انتخاب افرادی است که حداکثر کمک را به پژوهشگر در یافتن سوال های پژوهش کند. ملاک های ورود به مطالعه شامل داشتن حداقل سه سال سابقه فعالیت در دانشگاه در زمینه خصوصی سازی، داشتن تحصیلات دکتری تخصصی، تحصیل در رشته های جامعه شناسی، مدیریت آموزشی و مدیریت دولتی، داشتن مقاله یا کتاب در زمینه خصوصی سازی آموزش، تمایل جهت شرکت در پژوهش و موافقت جهت ضبط مصاحبه ها بودند. همچنین، ملاک های خروج از مطالعه شامل اعلام انصراف از شرکت در مصاحبه قبل از زمان تعیین شده برای مصاحبه، حاضر نشدن در مکان تعیین شده جهت انجام مصاحبه و عدم پاسخگویی به سوال های مصاحبه و اعلام انصراف در حین مصاحبه بودند.

برای انجام پژوهش حاضر ابتدا با کمک اساتید راهنما و مشاور، خبرگان در زمینه خصوصی سازی آموزش و پرورش شناسایی و سپس پژوهشگر به صورت تلفنی یا حضوری با خبرگان جهت انجام مصاحبه هماهنگی لازم به عمل آمد. پس از بیان اهمیت و ضرورت پژوهش و لزوم رعایت نکات اخلاقی از جمله رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات شخصی و غیره تلاش شد موافقت خبرگان جهت انجام مصاحبه گرفته شود. برای خبرگان توضیح داده شد که برای از دست رفتن بخشی از اطلاعات، پژوهشگر علاوه بر یادداشت نکات مهم و کلیدی، هم مصاحبه ها را ضبط تا در فرصتی مناسب مجدد بررسی و نکات مهمی و کلیدی ثبت نشده ثبت شوند. در نهایت، موافقت خبرگان جهت انجام مصاحبه و ضبط صدای آنها اخذ شد و درباره زمان و مکان مصاحبه با آنها هماهنگ شد. در زمان و مکان تعیین شده پژوهشگر و خبرگان حضور یافتند و مصاحبه به صورت نیمه ساختاریافته انجام و در پایان مصاحبه از مصاحبه شونده ها یا همان خبرگان تشکر و قدردانی شد.

در پژوهش حاضر داده ها با کمک مصاحبه نیمه ساختاریافته با استفاده از پنج سوال اصلی و تعدادی سوال فرعی جمع آوری شدند؛ به طوری که سوال اصلی عبارتند از: چه اقداماتی برای خصوصی سازی آموزش و پرورش ایران انجام شده است؟ قوت ها و ضعف های فرایند خصوصی سازی آموزش و پرورش ایران کدامند؟ شاخص های چالش های اقتصادی - اجتماعی خصوصی سازی آموزش و پرورش کدامند؟ مولفه ها چالش های اقتصادی - اجتماعی خصوصی سازی آموزش و پرورش کدامند؟ و ابعاد چالش های اقتصادی - اجتماعی خصوصی سازی آموزش و پرورش کدامند؟ مصاحبه ها توسط پژوهشگر به عنوان مصاحبه کننده و خبرگان به عنوان مصاحبه شونده ها به صورت انفرادی در زمان و مکان قبلا تعیین شده انجام شد. میانگین مدت زمان مصاحبه با هر یک از خبرگان حدود ۸۰ الی ۹۰ دقیقه طول کشید و به دلیل طولانی شدن مصاحبه ها در بین مصاحبه ۵ الی ۱۰ دقیقه استراحت در نظر گرفته شد. روایی مصاحبه ها با کمک چهار فرد خبره و دو همکار پژوهشی تأیید و پایایی آن با روش ضریب کاپای کوهن ۰/۶۳ بدست آمد. داده ها پس از جمع آوری داده ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته با روش تحلیل مضمون شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم افزار MAXQDA12 تحلیل شدند.

یافته ها

مصاحبه شونده ها ۱۱ نفر از خبرگان خصوصی سازی آموزش و پرورش با تحصیلات دکتری تخصصی بودند؛ به طوری که بیشتر آنها مرد (۷۲/۷۳ درصد) و دارای سابقه کاری ۱۹-۲۳ سال (۳۶/۳۶ درصد) بودند (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج فراوانی و درصد فراوانی جنسیت و سابقه کار خبرگان خصوصی سازی آموزش و پرورش

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۸	۷۲/۷۳
	زن	۳	۲۷/۲۷
سابقه کار	۴-۸ سال	۱	۹/۰۹
	۹-۱۳ سال	۱	۹/۰۹

۲۷/۲۷	۳	سال ۱۴-۱۸
۳۶/۳۶	۴	سال ۱۹-۲۳
۱۸/۱۸	۲	بالا تر از ۲۳ سال

برای چالش‌های اقتصادی - اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش ۱۸۴ شاخص در شش مضمون فرعی مشوق‌ها، بازدارنده‌ها، قوت‌ها، ضعف‌ها، پیامدها و سازوکارها و دو مضمون اصلی سطح کلان و سطح خرد قرار داشت (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج تحلیل مضمون شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی برای چالش‌های اقتصادی - اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش

کدگذاری اصلی	کدگذاری مضمون (فرعی)	کدگذاری محوری (شاخص‌ها)
سطح کلان	مشوق‌ها	۱. اعطای وام‌ها و اعتبارات بلندمدت و کم بهره برای توسعه زیرساخت‌ها، ۲. حمایت‌های مالی دولت از مراکز آموزش و پرورش خصوصی، ۳. اعطای اعتبارات پژوهشی به موسسه‌های آموزش و پرورش خصوصی، ۴. اعطای یارانه‌ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم، ۵. اعطای تخفیف و یارانه در پرداخت هزینه‌های جاری، ۶. تدوین قوانین و مقررات شفاف درباره سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش خصوصی، ۷. تعیین استانداردها و شاخص‌های کیفی مشخص و شفاف برای تأسیس و فعالیت‌های موسسه‌های خصوصی، ۸. مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌ریزی‌های کلان، ۹. نظارت و کنترل دولت درباره استانداردهای آموزشی مورد نیاز، ۱۰. تسهیل فرایند صدور مجوز برای موسسه‌های خصوصی، ۱۱. اعطای استقلال بیشتر به آموزش و پرورش خصوصی، ۱۲. حمایت سیاسی و راهبردی دستگاه‌های اجرایی و مقامات دولتی از خصوصی‌سازی، ۱۳. باور مدیران کلان دولتی به نقش مشارکت بخش خصوصی در تحقق اهداف ملی، ۱۴. توسعه آموزش و پرورش خصوصی مبتنی بر آمایش سرزمین و مزیت‌ها و نیازهای منطقه‌ای، ۱۵. باور همه‌جانبه دولت در راستای توسعه خصوصی‌سازی، ۱۶. توجه به آموزش و پرورش خصوصی به عنوان مکمل آموزش و پرورش دولتی از سوی سیاست‌گذاران کلان، ۱۷. شفاف‌سازی نقش و سهم انتظارات از آموزش و پرورش خصوصی، ۱۸. اعطای آزادی عمل و تسهیل در گزینش و جذب نیرو برای موسسه‌های خصوصی، ۱۹. اعطای آزادی عمل در پذیرش فراگیران، ۲۰. اعتقاد مسئولان رده بالا به خصوصی‌سازی و ۲۱. اعطای آزادی عمل در تغییر سرفصل‌های آموزشی و بروزرسانی آنها
بازدارنده‌ها		۱. عدم اعطای وام‌ها و اعتبارات بلندمدت با بهره کم برای توسعه زیرساخت‌ها، ۲. عدم تدوین قوانین و مقررات شفاف درباره سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش خصوصی، ۳. عدم تعیین استانداردها و شاخص‌های کیفی مشخص و شفاف برای تأسیس و فعالیت‌های بخش خصوصی، ۴. عدم مشارکت آموزش و پرورش خصوصی در برنامه‌ریزی‌های کلان، ۵. عدم نظارت و کنترل دولت درباره رعایت استانداردهای آموزشی مورد نیاز بخش خصوصی، ۶. عدم تسهیل فرایند صدور مجوز برای تأسیس آموزش و پرورش خصوصی، ۷. عدم اعطای استقلال به آموزش و پرورش خصوصی، ۸. عدم حمایت سیاسی و راهبردی دستگاه‌های اجرایی و مقامات دولتی، ۹. عدم باور کلان دولتی به نقش مشارکتی آموزش و پرورش خصوصی در تحقق اهداف ملی، ۱۰. عدم توسعه آموزش و پرورش خصوصی مبتنی بر آمایش سرزمین و مزیت‌ها و نیازهای منطقه‌ای، ۱۱. عدم باور و اعتقاد همه‌جانبه دولت در راستای توسعه خصوصی‌سازی، ۱۲. عدم توجه به آموزش و پرورش خصوصی به عنوان مکمل آموزش و پرورش دولتی، ۱۳. عدم شفاف‌سازی نقش و سهم و انتظارات از آموزش و پرورش خصوصی، ۱۴. عدم اعطای آزادی عمل و تسهیل گزینش بر اساس نیازهای موسسه‌های آموزش و پرورش خصوصی، ۱۵. عدم اعطای آزادی عمل در پذیرش دانشجویان واجد صلاحیت‌های علمی، ۱۶. عدم اعتقاد مسئولان رده بالا به خصوصی‌سازی و ۱۷. عدم اعطای آزادی عمل در تغییر سرفصل‌های آموزشی و بروزرسانی آنها
قوت‌ها		۱. تدوین قوانین و مقررات آموزش و پرورش خصوصی با مشارکت ذینفعان، ۲. اعطای وام‌ها، کمک هزینه‌ها و بورس‌های تحصیلی، ۳. اعطای مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی به آموزش و پرورش خصوصی، ۴. اعطای آزادی عمل به بخش خصوصی در تعیین شهریه، ۵. کاهش نقش مداخله‌گری دولتی و افزایش نقش حمایتی و نظارتی، ۶. تمرکززدایی در مدیریت و تصمیم‌گیری آموزش و پرورش خصوصی، ۷. تهیه اطلاعات فنی و مناسب در راستای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، ۸. اعطای آزادی عمل به رئیس موسسه‌های خصوصی، ۹. اتخاذ سیاست‌های تشویقی در تدوین شاخص‌های کیفی برای خصوصی‌سازی، ۱۰. پرهیز از متأثر شدن خصوصی‌سازی از ملاحظات سیاسی و ۱۱. تسهیل فرایندهای اعطای مجوز رشته‌های تحصیلی مختلف برای آموزش و پرورش خصوصی
ضعف‌ها		۱. عدم حمایت مالی دولت از مراکز آموزش و پرورش خصوصی، ۲. عدم اعطای اعتبارات پژوهشی به آنها، ۳. عدم اعطای

<p>یارانه ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم، ۴. عدم اعطای تخفیف و یارانه در پرداخت هزینه های جاری، ۵. عدم تدوین قوانین و مقررات آموزش و پرورش خصوصی با مشارکت ذینفعان، ۶. عدم اعطای وام ها، کمک هزینه ها و بورسیه های تحصیلی، ۷. عدم اعطای مشوق ها و معافیت های مالیاتی، ۸. عدم اعطای آزادی عمل به آموزش و پرورش خصوصی درباره تعیین شهریه، ۹. افزایش نقش مداخله گری دولت و کاهش نقش حمایتی و نظارتی، ۱۰. تمرکزگرایی در مدیریت و تصمیم گیری، ۱۱. عدم تهیه اطلاعات فنی و مناسب در راستای آموزش و پرورش خصوصی، ۱۲. عدم اعطای آزادی عمل به رئیس موسسه خصوصی، ۱۳. عدم اتخاذ سیاست های تشویقی در قالب تدوین شاخص های کیفی، ۱۴. عدم پرهیز از متأثر شدن آموزش و پرورش خصوصی از ملاحظات سیاسی و ۱۵. مشکل سازی در فرایندهای اعطای مجوز رشته های تحصیلی مختلف به آموزش و پرورش خصوصی</p>	<p>پیامدها</p> <p>۱. درآمدزایی در سطح کلان، ۲. جلب مشارکت تمامی گروه های ذینفع در فرایند برنامه ریزی و توسعه خصوصی سازی آموزش و پرورش، ۳. ارزیابی سیاست های آموزش و پرورش خصوصی و مقایسه با دستاوردها و اهداف و رفع نواقص، ۴. انتخاب روش های مناسب و جدید خصوصی سازی، ۵. ثبات و هماهنگی در اجرای سیاست های توسعه خصوصی سازی و ۶. انسجام و هماهنگی در بخش های مختلف دولت در فرایند خصوصی سازی آموزش و پرورش</p>
<p>۱. سطح بالا سرمایه گذاری برای ساخت و خرید اماکن آموزشی، ۲. اطلاع رسانی و ایجاد اعتماد عمومی نسبت به سرمایه گذاری در آموزش و پرورش خصوصی، ۳. تاکید بر رشد آموزش و پرورش خصوصی در برنامه ها و سیاست گذاری های کلان، ۴. بازتعریف نقش های دستگاه های دولتی در فرایند خصوصی سازی آموزش و پرورش، ۵. ارتباط و همکاری علمی آموزش و پرورش خصوصی با دانشگاه ها، ۶. ارتباط و همکاری علمی آموزش و پرورش خصوصی با موسسه های مشابه، ۷. برقراری ارتباط قوی با بازار توسط آموزش و پرورش خصوصی و ۸. اجازه داشتن برای استفاده از امکانات دولتی مانند اینترنت دانشگاهی</p>	<p>سازوکارها</p> <p>۱. برنامه ریزی هدفمند در راستای جلب سرمایه گذاری داخلی در آموزش و پرورش خصوصی، ۲. تدوین مقررات و آیین نامه های مالی و حسابداری در آموزش و پرورش خصوصی، ۳. مقررات زدایی و حذف مقررات دست و پاگیر، ۴. بهره گیری از نظرات تخصصی مشاور حقوقی و قانونی در امور موسسه ها، ۵. مدیریت صحیح و هدفمند منابع، ۶. تقویت روحیه مشارکت و فعالیت های گروهی در دست اندرکاران آموزش و پرورش خصوصی، ۷. تعیین اهداف و استراتژی های روشن و شفاف، ۸. رشد روحیه نوآورانه و خلاقانه در بخش خصوصی، ۹. بهره گیری از شیوه ها و مکانیسم های مدیریت کیفیت و بهبود عملکرد، ۱۰. شناخت همه جانبه هیأت موسسان آموزش و پرورش خصوصی از پتانسیل ها و نیازهای بازار کار، ۱۱. برنامه ریزی استراتژیک با رویکرد مشتری محوری، ۱۲. پرهیز از اداره موسسه ها به شیوه دولتی، ۱۳. تلفیق و بهره گیری از هنجارهای مدیریتی مرتبط با شرکت های خصوصی، ۱۴. تدوین سیاست های متناسب با سیاست گذاری ها و استراتژی های کلان، ۱۵. اتخاذ سیاست های حمایت گر محیط رقابتی، ۱۶. ارائه آموزش با کیفیت بالا در آموزش و پرورش خصوصی، ۱۷. جذب معلمان و حق التدریس در موسسه های خصوصی، ۱۸. تهیه امکان فرصت مطالعاتی برای معلمان، ۱۹. بهره گیری از سیستم های ارزشیابی آموزشی از دانش آموزان و معلمان، ۲۰. انعقاد قرارداد با مدارس خارجی در راستای تبادل دانش آموز و ۲۱. تلاش در راستای جذب دانش آموزان بین المللی در آموزش و پرورش خصوصی</p>
<p>۱. عدم برنامه ریزی هدفمند در راستای جلب سرمایه گذاران داخلی در آموزش و پرورش خصوصی، ۲. عدم تدوین قوانین و مقررات مالی و حسابداری، ۳. اعمال مقررات و متعهد بودن به مقررات دست و پاگیر، ۴. عدم بهره گیری از نظرات تخصصی مشاور حقوقی و قانونی، ۵. عدم مدیریت صحیح و هدفمند منابع، ۶. عدم تقویت روحیه مشارکت و فعالیت های گروهی در بین دست اندرکاران آموزش و پرورش، ۷. عدم تعیین اهداف و استراتژی های روشن و شفاف برای خصوصی سازی آموزش و پرورش، ۸. عدم رشد روحیه نوآورانه و خلاقانه، ۹. عدم بهره گیری از شیوه ها و مکانیسم های مدیریت کیفیت و بهبود عملکرد، ۱۰. عدم شناخت همه جانبه موسسان از پتانسیل ها و نیازهای بازار کار، ۱۱. عدم برنامه ریزی استراتژیک مشتری محور، ۱۲. عدم پرهیز از اداره موسسه های خصوصی به شیوه دولتی، ۱۳. عدم تلفیق و بهره گیری از هنجارهای مدیریتی، ۱۴. عدم تدوین سیاست های مناسب با سیاست گذاری های کلان در بخش آموزش و پرورش خصوصی، ۱۵. عدم اتخاذ سیاست های حمایت گر محیط رقابتی، ۱۶. عدم ارائه آموزش با کیفیت بالا، ۱۷. عدم جذب معلمان و حق التدریس در موسسه های خصوصی، ۱۸. عدم تهیه امکان فرصت مطالعاتی برای معلمان، ۱۹. عدم بهره گیری از سیستم های ارزشیابی آموزشی، ۲۰. عدم انعقاد قرارداد با مدارس خارجی و ۲۱. عدم تلاش در راستای جذب دانش آموزان بین المللی</p>	<p>سطح خرد مشوق ها</p> <p>۱. تلاش در راستای جذب حمایت های مالی شرکت های خصوصی برای سرمایه گذاری، ۲. تلاش برای جذب کمک های مردمی، موقوفات و خیریه، ۳. تلاش برای متنوع سازی منابع مالی، ۴. تلاش برای تقلیل نگاه صرف درآمدزایی به خصوصی سازی آموزش و پرورش، ۵. تجربه و توانمندی مدیران و رؤسای آموزش و پرورش خصوصی، ۶. تلاش برای جلب رضایت معلمان و کارکنان آموزش و پرورش خصوصی، ۷. رقابت با دیگر موسسه های خصوصی و دولتی، ۸. بهره گیری از</p>

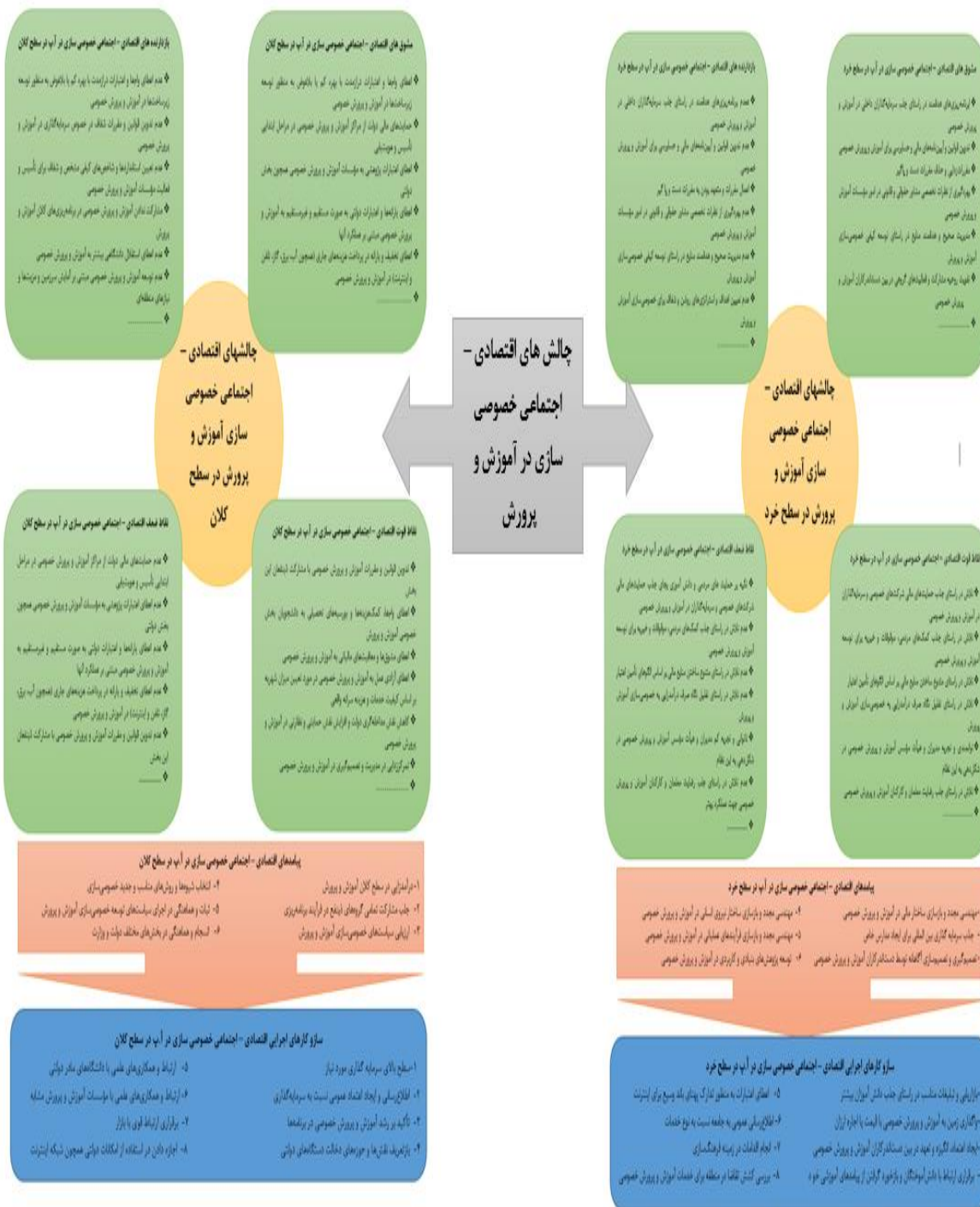
تجارب موسسه‌های آموزش و پرورش خصوصی داخلی و خارجی، ۹. برخورداری دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان از مهارت‌های تخصصی و فنی، ۱۰. تلاش آموزش و پرورش خصوصی در راستای خوداتکایی و خودکنترلی، ۱۱. تلاش آموزش و پرورش خصوصی در راستای جلب رضایت فراگیران، ۱۲. ایجاد ساختار منعطف در آموزش و پرورش خصوصی، ۱۳. تنوع‌بخشی به اهداف و وظایف آموزش و پرورش خصوصی، ۱۴. پیروی از شیوه‌ها و فناوری‌های نوین آموزش، ۱۵. ارائه برنامه‌ها و رشته‌های تحصیلی متنوع و مورد نیاز جامعه، ۱۶. تشویق و ایجاد انگیزه در معلمان برای نگارش مقاله و ۱۷. ایجاد تنوع در محتوی آموزشی رشته‌های تحصیلی

ضعف‌ها
 ۱. تکیه بر حمایت‌های مردمی و دانش‌آموزی به جای حمایت‌های سرمایه‌گذاران، ۲. عدم تلاش برای جذب کمک‌های مردمی، موقوفات و خیریه، ۳. عدم تلاش برای متنوع‌سازی منابع مالی، ۴. عدم تلاش برای تقلیل نگاه صرف درآمدزایی، ۵. ناتوانی و تجربه اندک مدیران و رؤسایان، ۶. عدم تلاش برای جلب رضایت معلمان و کارکنان، ۷. عدم رقابت با دیگر موسسه‌های خصوصی و دولتی، ۸. عدم بهره‌گیری از تجارب موسسه‌های آموزش و پرورش خصوصی موفق داخلی و خارجی، ۹. عدم برخورداری دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش خصوصی از مهارت‌های تخصصی و فنی، ۱۰. عدم تلاش موسسه‌های خصوصی در راستای خوداتکایی و خودکنترلی، ۱۱. عدم تلاش موسسه‌های خصوصی در راستای جلب رضایت فراگیران، ۱۲. نداشتن ساختار منعطف، ۱۳. عدم ثبات در اهداف و وظایف معلمان و مدیران، ۱۴. عدم پیروی از شیوه‌ها و فناوری‌های نوین آموزشی، ۱۵. عدم ارائه برنامه‌ها و رشته‌های تحصیلی متنوع و مورد نیاز جامعه، ۱۶. عدم تشویق و ایجاد انگیزه در معلمان برای نگارش مقاله و ۱۷. نداشتن ثبات و تنوع در محتوی آموزشی رشته‌های تحصیلی

پیامدها
 ۱. بازمهندسی و بازسازی ساختار مالی در آموزش و پرورش خصوصی، ۲. جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی برای ایجاد مدارس خاص، ۳. تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی آگاهانه توسط دست‌اندرکاران آموزش و پرورش خصوصی، ۴. اصلاح روش‌ها و الگوهای مدیریتی، ۵. بهره‌گیری از تجارب متخصصان علوم تربیتی در برنامه‌ریزی جامعه آموزشی، ۶. بهره‌گیری از یک مدل جامع برای فعالیت موسسه‌های آموزش و پرورش خصوصی، ۷. بازمهندسی و بازسازی ساختار نیروی انسانی، ۸. بازمهندسی و بازسازی فرایندهای عملیاتی، ۹. اتخاذ رویکرد کیفیت‌گرا توسط موسسین آموزش و پرورش خصوصی، ۱۰. سیاست‌گذاری و نظارت دقیق بر عملکرد آموزش و پرورش خصوصی به جای رویکرد اقتصادی، ۱۱. اتخاذ سیاست‌های مناسب برای جذب درآمد بیشتر از منابع اعتباری مختلف، ۱۲. توسعه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی و ۱۳. تلاش برای اخذ مجوز دوره‌های آموزش تکمیلی در آموزش و پرورش خصوصی

سازوکارها
 ۱. بازاریابی و تبلیغات مناسب در راستای جذب دانش‌آموزان بیشتر، ۲. واگذاری زمین به آموزش و پرورش خصوصی با قیمت ارزان‌تر، ۳. اعطای اعتبارات برای تدارک پهنای باند وسیع برای اینترنت، ۴. اطلاع‌رسانی عمومی به جامعه نسبت به نوع خدمات و عملکرد موسسه‌های آموزش و پرورش خصوصی، ۵. ایجاد اعتماد، انگیزه و تعهد در دست‌اندرکاران آموزش و پرورش خصوصی، ۶. انجام اقدامات در زمینه فرهنگ‌سازی و توجه به شاخص‌های فرهنگی، ۷. اطلاع‌رسانی عمومی از طریق رسانه‌ها در زمینه نیازها و کمبودهای موسسه‌های آموزش و پرورش خصوصی، ۸. ارائه و فروش خدمات مختلف آموزشی، مشاوره و پژوهشی به بخش‌های مختلف جامعه، ۹. برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان، ۱۰. برقراری ارتباط تنگاتنگ با دانشگاه‌ها و سایر موسسه‌های آموزش و پرورش خصوصی، ۱۱. تاکید بر داشتن واحد روابط عمومی فعال در خصوص برقراری ارتباط با بخش‌های مختلف جامعه، ۱۲. برقراری ارتباط با نهادهای قانون‌گذار، ۱۳. برقراری ارتباط تنگاتنگ با سایر فراگیران و والدین آنها، ۱۴. برقراری ارتباط با سطوح آموزشی مقاطع پایین‌تر و بهره‌گیری از نظرات آنها، ۱۵. تلاش برای توسعه امکانات و زیرساخت‌ها، ۱۶. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در زمینه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و ۱۷. بررسی کشش تقاضا در منطقه برای خدمات آموزش و پرورش خصوصی

در نهایت، با توجه به نتایج تحلیل مضمون و کدهای شناسایی‌شده الگویی برای چالش‌های اقتصادی - اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش طراحی شد (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی چالش های اقتصادی - اجتماعی خصوصی سازی آموزش و پرورش

بحث و نتیجه گیری

امروزه تأمین منابع آموزش و پرورش در سراسر جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه با بحران جدی روبرو است و مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش و پرورش و از جمله در ارائه و مالکیت مدارس می تواند از یک سو منجر به تولید فارغ التحصیلان با کیفیت و از سوی دیگر منجر به تولید فارغ التحصیلان بی کیفیت شود که نیازمند بررسی و پژوهش می باشد. با توجه به وجود چالش های بسیار در آموزش و پرورش خصوصی و نقش برجسته شناخت چالش های اقتصادی - اجتماعی برای بهبود وضعیت آن، پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی برای چالش های اقتصادی - اجتماعی خصوصی سازی آموزش و پرورش انجام شد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که برای چالش‌های اقتصادی- اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش ۱۸۴ شاخص در شش مضمون فرعی مشوق‌ها، بازدارنده‌ها، قوت‌ها، ضعف‌ها، پیامدها و سازوکارها و دو مضمون اصلی سطح کلان و سطح خرد شناسایی شد؛ به طوری که ۷۸ شاخص در سطح کلان و ۱۰۶ شاخص در سطح خرد قرار داشت و برای آن الگوی چالش‌های اقتصادی- اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش طراحی شد. با اینکه پژوهشی درباره چالش‌های اقتصادی- اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش یافت نشد، اما این نتایج از جهاتی با نتایج پژوهش‌های قبلی شامل (Rezaeian, 2020)، (Khedri & et al, 2018)، (Tavakol & et al, 2020)، (Bania, 2020)، (Ikemba-Efughi & Raj, 2020)، (Hassani Shalmaani, 2014) و (Azizi & et al, 2012) همسو بود.

در تشریح و تبیین نتایج پژوهش حاضر باید گفت که خصوصی‌سازی آموزش و پرورش با توجه به چالش‌های اقتصادی- اجتماعی شناسایی شده در صورتی می‌تواند کارایی و کیفیت مورد نظر را داشته باشد که دارای مدیریت و نظارت کافی و مناسب بوده و از کاهش کیفیت آموزش و بروز نابرابری‌ها و بحران‌های مختلف جلوگیری نماید. نظام آموزش و پرورش در توسعه پایدار و توسعه اقتصادی- اجتماعی کشورها نقش زیاد و غیرقابل انکاری دارد و آموزش از منظر جهانی به‌عنوان کالایی در جهت سرمایه‌گذاری و نیازمند سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود که خصوصی‌سازی آموزش و پرورش می‌تواند در این زمینه کارساز واقع شود. خصوصی‌سازی آموزش و پرورش به معنای جذب منابع بیشتری برای نظام آموزش و پرورش و استفاده کارآمدتر و انعطاف‌پذیرتر از آن در ارائه خدمات آموزشی است که فرایندی دقیق و پیچیده می‌باشد و به شکل‌ها و مدل‌های مختلفی قابل اجرا است. نظام آموزش و پرورش ایران به‌طور تقریبی حدود ۹۹ درصد بودجه خود را صرف پرداخت حقوق کارکنان می‌کند و بودجه‌ای برای کیفیت بخشی به آموزش و یادگیری و پرورش قوای مختلف فراگیران نمی‌ماند. وزارتخانه آموزش و پرورش با کسری بودجه فراوانی مواجه است که خصوصی‌سازی در این زمینه تا حدودی می‌تواند به نظام آموزش و پرورش کمک کند. از آنجایی که جامعه ایران، جامعه‌ای پویا است، لذا نبود تنوع در مدرسه‌ها و اجبار همه دانش‌آموزان به تحصیل در مدرسه‌ها تحت کنترل دولت، حق انتخاب نوع مدرسه و آموزش فرزندان را از والدین سلب می‌کند. این حق مسلم والدین است که نوع آموزش فرزندان خود را تعیین کنند. با استفاده از فرایند خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش می‌توان در بودجه نظام آموزشی صرفه‌جویی کرد تا این نظام بودجه صرفه‌جویی شده را صرفه کیفیت بخشی به آموزش و یادگیری و کمک به تأسیس و تقویت مدارس خصوصی و خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش کند.

همچنین، یا توجه به اینکه بخش خصوصی آموزش و پرورش نتوانسته است پاسخگوی تقاضای آموزشی برای طبقات اقتصادی- اجتماعی پایین جامعه باشد، لذا بی‌عدالتی آموزشی بوجود آمده امکان حضور اقشاری با درآمد و جایگاه اجتماعی پایین را در فضایی با کیفیت رقابتی غیرممکن ساخته است و با توجه به آنکه رقابتی شدن موجب کارآمدی مدارس خواهد شد، اما لازمه آن ترغیب بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در آموزش و پرورش و رونق بازار آموزشی بخش خصوصی با استفاده از شرایط مناسب آموزشی است. از سوی دیگر نیاز است تا بخش خصوصی نسبت به مساعد بودن فضای کسب و کار و جذب سرمایه و تجاری‌سازی آموزش و ایجاد مالکیت معنوی از اطمینان کافی برخوردار باشد. برای این منظور آموزش و پرورش خصوصی باید در قالب تشکلی از افراد آگاه به امور آموزش و یادگیری و پرورش فراگیران به صورت هدفمند و معنادار باشد. بنابراین، توجه به یک الگوی مناسب برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش که بخشی از آن در پژوهش حاضر تحت عنوان الگوی چالش‌های اقتصادی- اجتماعی خصوصی‌سازی آموزش و پرورش بررسی شد، ضروری است. با کمک الگوی جامع و کامل درباره خصوصی‌سازی آموزش و پرورش می‌توان گام موثری در تحقق آن برداشت که پژوهش حاضر چالش‌های اقتصادی- اجتماعی آن را از شش منظر مشوق‌ها، بازدارنده‌ها، نقاط قوت، نقاط ضعف، پیامدها و سازوکارها مورد بررسی قرار داد.

آخرین مطلب اینکه آموزش و پرورش نیازمند یک عزم لی برای تحول است که این عزم بدون مشارکت مردم و سایر سازمان‌ها تحقق نمی‌یابد و تربیت دانش‌آموزان به‌عنوان نیروی انسانی به شیوه مناسب انجام می‌شود. برای این منظور تغییر در نگاه مسئولان و مردم به‌ویژه تغییر نگرش آنها درباره خصوصی‌سازی ضروری است. بنابراین، باید توجه داشت که بدون مشارکت مردم و سایر سازمان‌های دولتی و خصوصی نمی‌توان در آموزش و پرورش تحولی بنیادی ایجاد کرد. وضعیت بد اقتصادی و فقر مالی مدارس با توجه به همه اعتباراتی که دولت برای سازمان آموزش و پرورش در نظر می‌گیرد بدون همکاری و همیاری مردم و سایر

سازمان ها به تعالی و شکوفایی نخواهد رسید. در نتیجه، مشارکت در امر خصوصی سازی آموزش نیازمند بسترهای مختلفی از جمله بستر اقتصادی - اجتماعی مناسبی است که خصوصی سازی این بخش می تواند هم به دولت و هم به دانش آموزان و والدین در ارائه خدماتی با کیفیت و آموزشی کاربردی کمک شایانی کند.

پژوهش حاضر هم چون سایر پژوهش ها با محدودیت هایی مواجه بوده که از مهم ترین آنها می توان به محدود شدن جامعه پژوهش به خبرگان خصوصی سازی، بازاریابی استراتژیک و آموزشی آموزش و پرورش شهر تهران، استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، حجم نمونه نسبتا اندک و استفاده از مصاحبه جهت جمع آوری داده ها اشاره کرد. بنابراین، انجام پژوهش های بیشتر درباره خصوصی سازی آموزش و پرورش هم از نظر ابعاد اقتصادی - اجتماعی و هم از نظر سایر ابعاد مانند فرهنگی، سیاسی و غیره ضروری است. با توجه به محدودیت ها پیشنهاد می شود که در پژوهش های بعدی از روش های نمونه گیری تصادفی برای نمونه گیری استفاده و علاوه بر افزایش حجم نمونه جهت دستیابی به اطلاعاتی قابل اعتمادتر از سایر روش های جمع آوری داده ها مثل مشاهده نیز استفاده شود. مضمون های شناسایی شده برای چالش های اقتصادی - اجتماعی خصوصی سازی آموزش و پرورش برای مسئولان و برنامه ریزان نظام آموزش و پرورش تلویحات کاربردی دارد. آنان با استفاده از نتایج این پژوهش و سایر پژوهش ها می توانند زمینه را برای اجرای مناسب خصوصی سازی آموزش و پرورش فراهم نمایند.

تشکر و قدردانی

در این جا پژوهشگران پژوهش حاضر از خبرگانی که قبول کردند در مصاحبه شرکت نمایند و حداکثر کمک علمی را به پژوهشگر جهت دستیابی به نتایجی مناسب و قابل اعتماد کردند، تشکر می کنند.

References

- Adamson F, Galloway M. (2019). Education Privatization in the United States: Increasing Saturation and Segregation. *Education Policy Analysis Archives*, 27(129): 1-48.
- Azizi N, Jafari P, Farzad V, Senobari M. (2012). Investigating the strategies of government-private sector participation in education and selecting the most appropriate mechanism with using the analysis hierarchical process (AHP). *Journal of Educational Planning Studies*, 1(1): 7-31.
- Bania Sh. (2020). Privatization of higher education in India: Issues, challenges and suggestions for quality improvement. *Aegaeum Journal*, 8(4): 1556-1564.
- Baum DR, Cooper R, Lusk-Stover O. (2018). Regulating market entry of low-cost private schools in Sub-Saharan Africa: Towards a theory of private education regulation. *International Journal of Educational Development*, 60: 100-112.
- Diaz Rios C. (2019). Domestic coalitions in the variation of education privatization: An analysis of Chile, Argentina, and Colombia. *Journal of Education Policy*, 34(5): 647-668.
- Ebrahimi H, Mousavi SY, Azkia M. (2019). Analysis and identification of socio-economic challenges of macro-level education privatization. *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 3(4): 152-164.
- Gamlath S, Lahiri R. (2018). Public and private education expenditures, variable elasticity of substitution and economic growth. *Economic Modelling*, 70: 1-14.
- Hashemian F, Zandian H, Aqamohammadi D. (2016). Analysis of private sector participation in the education system. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 3(3): 1-26.
- Hassani Shalmaani MH. (2014). Factors affecting public-private sector's support for the elementary schools. *Quarterly Journal of Education*, 30(1): 61-90.
- Ikemba-Efughi I, Raj R. (2020). Managerial behavior and corporate social responsibilities of private education providers in Nigeria: A case of private primary education. *Journal of Global Responsibility*, 11(4): 387-405.
- Joshi P. (2019). The growth, roles and needs of the private education system: Private stakeholder perspectives from Nepal. *International Journal of Educational Development*, 65: 57-67.
- Kambutu J, Akpovo SM, Nganga L, et al. (2020). Privatization of early childhood education (ECE): Implications for social justice in Nepal and Kenya. *Policy Futures in Education*, 18(6): 700-724.
- Khedri A, Saeedian Khorasgani N, Shahtalabi Hosseinabadi B. (2018). Study of privatization practices in education in selected countries in order to provide the appropriate perceptual framework for privatization in Iranian education. *Journal of Research in Educational Systems*, 12(Special Issue): 469-487.
- Le HM. (2019). Private encroachment through crisis-making: The privatization of education for refugees. *Education Policy Analysis Archives*, 27(126): 1-23.
- Rezaeian M. (2020). Challenges of the private sector of higher education in Iran. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 13(1): 349-378.
- Rivera MD. (2018). Paying for financial expertise: Privatization policies and shifting state responsibilities in the school facilities industry. *Journal of Education Policy*, 33(5): 704-737.
- Saltman KJ. (2020). Artificial intelligence and the technological turn of public education privatization: In defense of democratic education. *London Review of Education*, 18(2): 196-208.
- Tavakol M, Ebrahim A, Rezaeian M. (2018). Implications and consequences of private sector participation in higher education. *Sociological Review*, 24(2): 593-627.
- Termes A, Edwards DB, Verger A. (2020). The development and dynamics of public-private partnerships in the Philippines' education: A counterintuitive case of school choice, competition, and privatization. *Educational Policy*, 34(1): 91-117.
- Verger A, Fontdevila C, Zancajo A. (2017). Multiple paths towards education privatization in a globalizing world: A cultural political economy review. *Journal of Education Policy*, 32(6): 757-787.

Providing a Model for Socio-Economic Challenges of Education Privatization

Haidar Ebrahimi¹

Seyed Yaghoob Mousavi^{2*}

Mostafa Azkia³

Abstract

Purpose: The present study was conducted with the aim of providing a model for socio-economic challenges of education privatization.

Methodology: This study in terms of purpose was applied and in terms of implementation method was qualitative. The research population was experts of privatization, strategic marketing and educational of education of Tehran city in 2020 year. The sample was considered according to the theoretical saturation principle 11 people who were selected by purposive sampling method. Data were collected through semi-structured interviews whose validity was confirmed by four experts and two research colleagues and its reliability was obtained by Cohen's Kappa coefficient of 0.63. Data were analyzed by thematic analysis method including open, axial and selective coding in MAXQDA12 software.

Findings: The results showed that for socio-economic challenges of education privatization were identified 184 indicators in six sub-themes of incentives, deterrents, strengths, weaknesses, consequences and mechanisms and two main themes of macro level and micro level; So that 78 indicators were at the macro level and 106 indicators were at the micro level. Finally, the model of socio-economic challenges of education privatization was designed.

Conclusion: The identified themes about socio-economic challenges of education privatization have practical implications for officials and planners of education system. They can provide the ground for proper implementation of education privatization with using the results of this research and other researches.

Keywords: Socio-economic challenges, privatization, education

¹ PhD Student, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ebrahimi.h8861@gmail.com

² Associate Professor, Department of Sociology, Al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author). y.mousavi@alzahra.ac.ir

³ Professor, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran. mazkia@vt.ac.ir